

بررسی رابطه جامعه‌پذیری و هویت جنسیت (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور دزفول)

داریوش رضاپور^{۱*}، حسن چنانی‌نسب^۲، رحمان باقری^۳

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین جامعه‌پذیری و هویت جنسیتی بین دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور دزفول بوده است. روش تحقیق این پژوهش پیمایشی و شیوه گردآوری داده‌ها استفاده از پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری همه دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر دزفول بوده که با استفاده از جدول لین تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه تعیین شدند. نمونه‌گیری به شیوه تصادفی طبقه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته این پژوهش (هویت جنسیتی) و برخی متغیرهای مستقل همبستگی وجود دارد. مقدار همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و متغیرهای آگاهی اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و قدرت تصمیم‌گیری، در مجموع ۲۲/۱ درصد از تغییرات در متغیر وابسته هویت جنسیتی را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نیز نشان داد که متغیرهای آگاهی اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی و قدرت تصمیم‌گیری تأثیرگذارترین عوامل بر هویت جنسیتی‌اند.

کلیدواژه‌ها

آگاهی اجتماعی، جامعه‌پذیری، دانشگاه پیام نور دزفول، شبکه روابط اجتماعی، هویت جنسیتی.

۱. مربی، عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران D.Rezapour@gmail.com
 ۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران Chenani6464@yahoo.com
 ۳. مربی، عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران Bagherirahman26@yahoo.com
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۳۰

بیان مسئله

هویت به مثابه امری احساسی یا آگاهانه، واقعی یا خیالی، موجود یا جعلی به پاسخ به چیستی و کیستی انسان‌ها به صورت انفرادی و جمعی معطوف است. «خودشناسی» و «دیگرشناسی»، به منزله دو محور عمده بحث هویت، با معیارهای مختلفی اعم از علمی یا غیرعلمی، بی‌طرفانه یا مغرضانه، احساسی و سطحی یا آگاهانه و عمیق سنجیده می‌شود [۱۶]. هویت بخش مهمی از وجود هر انسانی است و زندگی شخصی و اجتماعی هر فردی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. زنان در اجتماع همواره بر پایه جنسیت و هویت جنسیتی برخاسته از آن به صورت همسر، مادر و دختر ایفای نقش کرده‌اند. اما با افزایش حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های مختلف (آموزش، اشتغال و...) نقش‌های سنتی آن‌ها در بسیاری از جوامع امروزی مورد پرسش قرار گرفته است [۱۲]. چنان‌که کاستلز^۱، نویسنده کتاب *عصر اطلاعات* می‌گوید، کار و خودآگاهی زنان از طریق نیروهای محرکی که عبارت‌اند از پیدایش اقتصاد اطلاعاتی جهانی، دگرگونی‌های تکنولوژیکی در تولید مثل و گسترش جریان فمینیسم، از سال‌های آخر دهه ۱۹۶۰، در معرض دگرگونی قرار گرفته است [۱۳]. علاوه بر این، از اوایل دهه ۱۹۷۰، دولت‌های غربی برای از بین بردن نابرابری در نقش‌های زنان و مردان سیاست‌گذاری‌های جدیدی کردند. قانون خانواده تغییر کرد و به تدریج هرگونه تمایز شغلی با مبنای جنسیتی ممنوع شد؛ کتاب‌های درسی از تصورات جنسیتی پیراسته شد و سرانجام در همه حیطه‌هایی که قانون امکان دخالت داشت، سیاست‌های برابری اعمال شد [۳].

در جامعه امروز، عواملی چون صنعتی‌شدن، توسعه تکنولوژی، گسترش اقتصاد، سرمایه‌گذاری و توسعه ارتباطات و فرآورده‌های فرهنگی آن نه تنها زندگی مادی و اقتصادی مردم، بلکه چارچوب‌های نمادین آن‌ها را نیز دگرگون می‌کنند. دانش‌ها، مهارت‌ها، باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها، قواعد و رسوم اخلاقی و مذهبی پیوسته مورد پرسش و تردید قرار می‌گیرند. در چنین وضعیتی، افراد به هویت نیاز دارند. هویت از پیچیدگی و سرعت تغییرات اجتماعی می‌کاهد و به انسان‌ها توانایی آن را می‌بخشد که نظم نسبی در زندگی خود و دنیای اطرافشان ایجاد کنند. دسترسی انسان‌ها، به‌طور اعم، و زنان، به‌طور اخص، به هویت واقعی خود باعث تثبیت موقعیت آنان و رسیدن به اهدافشان می‌شود [۲]. بنابراین، روشن است که افزایش اقتدار و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه، ساختار سنتی خانواده را، که بر اقتدار و سلطه مردان استوار بود، برهم می‌زند و هویت‌های جنسیتی جدیدتری را جایگزین هویت‌های جنسیتی کلیشه‌ای زن و مرد می‌کند. در جامعه ایران، به‌منزله کشوری در حال گذار که ویژگی اساسی آن گذر از وضعیت سنتی

به وضعیتی غیرسنتی است، هویت و هویت جنسیتی زنان دستخوش تغییرات گوناگونی شده است که عوامل زیادی، مانند تحصیلات دانشگاهی و اشتغال، در این تغییرات دخیل‌اند [۱۱]. این عوامل از سویی موجب تضعیف مشروعیت نقش‌های زنان در خانواده سنتی (پدرسالار) شده و از سوی دیگر، تقابل نقش‌های سنتی با نقش‌های مدرن و امروزی، مسئله بحران هویت زنان را ایجاد کرده است [۷].

حال باید دید با ایجاد نقش‌های اجتماعی غیرسنتی در جامعه، دختران جامعه ما تا چه حد از نقش‌های سنتی فاصله گرفته‌اند و آمادگی پذیرش و ایفای نقش‌های غیرسنتی را در خود می‌بینند و چه تصویری از منابع هویت‌ساز غیرسنتی، چون تحصیل و کار بیرون از خانه، برای تعریف هویتی اجتماعی مستقل برای خویشان دارند و ارتباط و تأثیرپذیری آن از جامعه‌پذیری و عوامل دیگر اجتماعی، که موجبات بروز رفتارهای مناسب فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند، چیست؟

پیشینه پژوهش

هدف اصلی این مقاله بررسی رابطه جامعه‌پذیری و هویت جنسیتی است. به اختصار، به چهار مورد از مطالعات داخلی و چهار مورد از مطالعات خارجی اشاره می‌شود؛

نیازی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی سنتی - مدرن دانشجویان دختر دانشگاه شهید چمران»، مسئله هویت اجتماعی را در بستر مفهوم مدرنیته و تجدد و تغییرات فرهنگی، اجتماعی مرتبط با گذار جامعه از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد ارزش‌های سنتی موجود در ساختار اجتماعی، فرهنگی جامعه در حال تضعیف و کهنه‌شدن‌اند و در این وضعیت، دختران دانشجوی در حال فاصله‌گرفتن از هویتی هستند که قبلاً از سوی نهادهای سنتی، مانند خانواده، برای آنان تعیین شده است.

سیفاللهی و رازقیان (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان در ایران (مطالعه موردی شهر تهران)» در پی بررسی تأثیر عوامل متفاوت اجتماعی بر هویت جنسیتی زنان بودند. برای بررسی موضوع از روش‌های اسنادی و پیمایشی و مطالعه میدانی و مصاحبه استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که به علت سازوکارهای جامعه‌پذیری متفاوت، با افزایش سن، عواملی همچون روابط و مناسبات پدرسالاری، به گرایش به هویت جنسیتی سنتی‌تر برخاسته از این مناسبات می‌انجامد. از طرفی، با کاهش سن، روابط و مناسبات سرمایه‌داری تأثیر به‌سزایی در اکتساب هویت جنسیتی نوگرا و برخاسته از این روابط و مناسبات دارد.

لهسایی‌زاده و شیرازی (۱۳۸۹) در پژوهشی «عوامل مرتبط در شکل‌گیری هویت اجتماعی زنان نسل کنونی و گذشته شهر شیراز» را بررسی کردند. در این مطالعه، که از نظریه‌های

آنتونی گیدنز و ریچارد جنکینز برای تبیین هویت اجتماعی زنان نسل کنونی و نسل گذشته استفاده شده، تفاوت معناداری بین متغیرهای منبع اطلاعاتی، تحصیلات، تحصیلات پدر، درآمد، امکانات رفاهی، رضایت از خود در اجتماع، اعتماد به نفس و گستره شبکه ارتباطی با هویت اجتماعی زنان نسل کنونی به دست آمده است.

منادی و فرشی صبح‌خیز (۱۳۸۹) نیز به «بررسی نقش هویت مادران در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران نوجوان شهر تهران» پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داد مادرانی که از هویت جنسیتی خود رضایت داشتند، جنسیت فرزند برایشان مهم است و شیوه تربیتی مستبدانه یا سهل‌انگارانه را در مورد فرزند خود به کار می‌برند. مادرانی که از جنسیت خود رضایت نداشتند، جنسیت فرزند برای آن‌ها مهم نبود و شیوه تربیتی دموکراتیک را به کار می‌برند. بنابراین، هویت جنسیتی مادران به همراه شیوه‌های تربیتی می‌تواند در شکل‌گیری هویت جنسیتی فرزندان نقش داشته باشد. مادرانی که خود هویت دوجنسیتی داشتند و در تلاش برای به دست آوردن حقوق برابر با مردان بودند، فرزندان خود را نیز به گونه‌ای تربیت می‌کردند که ویژگی‌های مردانه و زنانه را در کنار هم داشته باشند.

اروین و انگلیش^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه‌شان «اجتماع در فضای مجازی: جنسیت، یادگیری جنبش اجتماعی و اینترنت» تحلیل‌های منظمی از صد وبسایت متعلق به سازمان‌های فمینیستی در کانادا ارائه کردند. آن‌ها وبسایت‌ها را از نظر محتوا، محبوبیت و قدرت دوام تحلیل کردند تا چگونگی نقش این وبسایت‌ها در آموزش زنان برای جنبش‌های اجتماعی را بازکاوی کنند. نقش فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات در یادگیری زنان بسیار مؤثر بوده است و زنان از این راه بر موانع تشریک اطلاعات غلبه می‌کردند. البته، برای زنان موانعی نیز در دسترسی و یادگیری رسمی از اینترنت وجود داشت.

سیارا^۲ (۲۰۰۷) در پژوهش خود با عنوان «لهستانی‌های مهاجرت کرده به انگلیس، فضای مجازی و هویت»، بر فضاهای اجتماعی مجازی نوین از قبیل گروه‌های اینترنتی موجود، که لهستانی‌ها برای واکنش‌های اجتماعی از این وسیله استفاده می‌کنند، متمرکز می‌شود. این گروه‌ها، فضای اجتماعی نوینی را به وجود آورده است که مباحثه‌ها و گفت‌وگوهای جدیدی را امکان‌پذیر کرده است. این مباحثه شامل گفت‌وگو در مورد جوانب متنوع و متعدد هویت است؛ از قبیل: نژاد، جنسیت و ابعاد اجتماعی هویت. ابعاد جدید هویت در زندگی اجتماعی لهستانی‌ها دخالت دارند که مورد بحث و گفت‌وگوی بسیاری از محافل شده است. از سوی دیگر، لهستانی‌ها در مباحثه‌های عقلانی شرکت می‌کنند و در پی یافتن هویت خود و دیگران‌اند.

هیلمن^۳ (۱۹۹۸) در پژوهشی با عنوان «ستیز برای خود، قدرت و هویت اجتماعی در میان

1. Irving & English
2. Siara
3. Heilman

دختران نوجوان» چگونگی شکل‌گیری هویت را بررسی کرده است. در این مطالعه، تأثیر خانواده، رسانه‌های جمعی و همچنین پایگاه اجتماعی-اقتصادی در شکل‌گیری هویت مورد بحث قرار گرفته است. نتایج گویای این مسئله است که رسانه‌های جمعی و خانواده نقش ضعیف و کم‌رنگی در شکل‌گیری هویت داشته‌اند و در مقابل مدرسه و معلمان می‌توانند نقش مؤثری در تشویق دختران برای دستیابی به هویتی قوی و محکم و فعال و کارآمد داشته باشند. گورین و تاونزند^۱ (۱۹۸۶) در پژوهش خود با عنوان «دارا بودن آگاهی جنسی» درباره هویت جنسی زنان و تشخیص هویت گروهی و آگاهی‌های گروهی، شانزده مقوله تهیه کردند که از هر یک از زنان می‌پرسیدند با کدام یک از این مقوله‌ها (گروه‌ها) احساس همبستگی می‌کنند و با کدام دسته از مردم (ایده‌ها و علایقشان) موافق‌اند. مطالعه یادشده نشان داد زنان چگونه درگیر سازوکارهای هویت بخش اجتماعی، مقوله‌بندی خود و دیگران و همچنین، هویت‌دهی به خود می‌شوند.

چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر، از چارچوبی ترکیبی استفاده شده که محور اصلی آن بر مفهوم هویت جنسیتی تأکید دارد؛ مفهومی که تا حد بسیاری محصول تعاملات و فرایندهای اجتماعی است. با در نظر گرفتن این نکته، چارچوب نظری این پژوهش از نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا، نظریه هربرت مید و جنکینز و تاجفل از مکتب کنش متقابل نمادین و دیدگاه فمینیسم‌های لیبرال ترکیب یافته است.

نظریه ریچارد جنکینز^۲

ریچارد جنکینز، از نظریه‌پردازان مکتب کنش متقابل نمادین، سعی کرد در تحلیل هویت، بر شکاف میان فرد و جامعه پل بزند تا از این طریق گسستگی موجود میان هویت فردی و جمعی را از بین ببرد و با در نظر گرفتن تأثیرات دوسویه افراد و ساختارهای اجتماعی، فرایندهای هویت‌یابی و هویت‌سازی را تبیین کند. زاده‌شدن فرایندی را آغاز می‌کند که به موجب آن افراد در جهان اجتماعی پذیرفته می‌شوند و خود را به آن می‌پذیرانند و در چارچوب آن هویت‌هایی را اختیار می‌کنند [۶]. طبق این رویکرد نظری، هویت شخصی، هویتی اولیه و بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی است. جنسیت مهم‌ترین عاملی است که به تجربه فرد سامان می‌دهد و آن را در خویشتن ادغام می‌کند.

فرض اصلی جنکینز آن است که امر یگانه فردی و مشترک جمعی را می‌توان چنان فهم کرد

1. Gurin and Townsend
2. Jenkins

که مشابه یکدیگر باشند؛ هرچند هویت فردی بر تفاوت‌ها و هویت جمعی بر شباهت‌ها تأکید دارد [۵]، وی معتقد است هویت اجتماعی از هویت فردی جدا نیست. افراد بیگانه و متفاوت‌اند، اما خویشتن به‌طور کامل در اجتماع ساخته می‌شود؛ یعنی در فرایندهای اجتماعی شدن اولیه و در فرایند جاری تعامل اجتماعی است که در چارچوب آن‌ها افراد در طول عمرشان خود و دیگران را تعریف و بازتعریف می‌کنند. خود در عمل و هم‌زمان از تعریف خود (درونی) و در تعاریف خود که دیگران عرضه می‌کنند (برونی) حاصل می‌شود. دیالکتیک بیرونی و درونی فرایندی است که به‌واسطه آن‌ها همه هویت‌ها، اعم از فردی و اجتماعی، ترکیب می‌یابند [۶].

بنابراین، به باور جنکینز، «هویت» دیالکتیک فرد و جامعه است. هویت به‌طور ذاتی «خود» انعکاس است، زیرا فرد در هویت خود جامعه را درون ذهن منعکس می‌کند و براساس آن به ساختن «خویشتن» می‌پردازد. جامعه نه محصول ذهن افراد است، نه ساخته نظام اشیا و روابط مادی پدیده‌ها. بنابراین، با پذیرفتن هویت‌های جمعی و فردی از یک‌طرف و نسبی‌بودن این پدیده‌ها در بستر تاریخی- فرهنگی متعدد، هیچ‌گونه پیش‌بینی‌پذیری و تجویزی در این مورد نمی‌توان انجام داد. به عبارت دیگر، مشکل هویت اجتماعی در عرصه فرهنگی است و در این عرصه بی‌نهایت شکننده و ناپایدار است و در پهنه همین شکنندگی است که هویت‌های اجتماعی متعدد ساخته می‌شود [۶].

نظریه یادگیری اجتماعی

از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی^۱ رفتار شخص محصول یادگیری پیشین اوست و رفتار کنونی به‌وسیله تجربیات گذشته شکل می‌گیرد. آلبرت باندورا مدعی است غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در طول فرایند الگوسازی آموخته می‌شود. انتخاب الگوی یادگیری به وسیله شخص، تحت تأثیر عوامل مختلفی چون سن، جنسیت و موقعیت اجتماعی است [۱۰]. این نظریه بر اهمیت نقش تربیت و آموزش (در خانواده) در کسب هویت جنسیتی تأکید می‌ورزد. مهم‌ترین سازه‌های این نظریه عبارت‌اند از تقویت، تقلید و همانندسازی. در این نظریه، ساده‌ترین سازوکار یادگیری یک رفتار و نقش عبارت است از پاداش‌دادن یا تقویت‌کردن فردی که آن رفتار خاص، از جمله نقش جنسیتی، را انجام داده است. درواقع، براساس این نظریه، ارائه پاداش در مقابل رفتارهای مناسب با هویت جنسیتی باعث تقویت و تکرار آن‌ها می‌شود؛ درحالی‌که توبیخ و تنبیه به علت انجام‌دادن رفتارهای نامناسب با هویت جنسیتی از تکرار آن رفتار جلوگیری می‌کند. پس این نظریه بر اهمیت یادگیری دیداری و تقلید تأکید می‌ورزد. این نظریه اهمیت زیادی برای تقلید و الگوبرداری از هم‌جنسان نیز قائل است [۱۹].

بنابراین، طبق این نظریه می‌توان گفت تعاملات در درون خانواده تحت تأثیر جامعه‌پذیری و سرمشق‌گیری خواهد بود، زیرا نحوه رفتار والدین با یکدیگر، شیوه برخورد با فرزندان دختر و پسر، شیوه تقسیم کار در درون خانواده، هرم قدرت در خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی تأثیرگذار خواهد بود.

نظریه هویت اجتماعی تاجفل

از نظر تاجفل^۱، آن بخش از هویت ما که نشئت گرفته از گروهی است که به آن تعلق داریم، (درون گروه) به وسیله مقایسه و ترجیح افراد گروه خود نسبت به کسانی که در خارج از گروه (برون گروه) هستند شکل می‌گیرد. به نظر او، ما احساسی مثبتی به اینکه که هستیم و در برابر اعضای درون گروه و برون گروه چگونه عمل می‌کنیم، کسب می‌نماییم. تعلق به گروهی خاص، علتی برای تبعیض فرد نسبت به برون گروه و طرفداری از درون گروه یا گروه خود است. این تمایزگذاری بین گروه خود و غیر خود کمک می‌کند تا هویت اجتماعی فرد در آن شرایط تعریف شود. هویت اجتماعی فرد به وسیله گروهی که به آن تعلق دارد، تعیین می‌شود. این هویت تابعی از ویژگی‌های فرهنگی آن گروه است و مبتنی بر تفسیر درون گروه و برون گروه است. بنابراین، پرسش از ترجیحات درون گروهی بیانگر میزان تعلق اجتماعی است. هویت اجتماعی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و تابعی از فرهنگ آن جامعه است که قابل تعمیم به سایر فرهنگ‌ها و گروه‌ها نیست. هنگامی فرد هویت اجتماعی دارد که هنجارهای گروه بر او تأثیرگذار باشد و این مهم‌ترین شیوه کنترل حجم وسیعی از افراد است که به وسیله یکدیگر شناخته می‌شوند [۱]. بر این اساس، هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل عبارت است از: «آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، همراه اهمیت ارزشی و احساس منظم به آن عضویت» [۲۵].

نظریه کنش متقابل نمادین

در رویکرد جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، نظریه هویت اجتماعی بیش از همه به مکتب «کنش متقابل نمادی» پیوند می‌خورد و تحت تأثیر نظریه‌های «جورج هربرت مید» است. از دیدگاه مید، فرد هویت یا خویشتن خود را از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد. به بیان دیگر تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند [۱۴]. به اعتقاد مید، خود نوعی توانایی است که به انسان‌ها کمک می‌کند از

طریق ارتباط و زبان به تفکر و کنش در دنیای اجتماعی بپردازند. بدین ترتیب، هویت ما از انتظارات مربوط به نقش‌های اجتماعی ناشی می‌شود؛ انتظاراتی که در جریان جامعه‌پذیری به درونی‌سازی آن‌ها می‌پردازیم [۸].

مطابق نظریه کنش متقابل نمادین، نقش‌های اجتماعی نتیجه و حاصل پروسه کنش متقابل‌اند که جنبه آزمونی و خلاق دارد. بر این اساس، کنش‌گر اجتماعی، هویت اجتماعی خود را از طریق پذیرفتن نقش‌های اجتماعی تعریف و معین می‌کند.

دیدگاه فمینیسم لیبرال

فمینیسم، یا جنبش برابری حقوق زن و مرد، یکی از جنبش‌های اجتماعی است که برخاسته از کنش جمعی زنان در طی دوران تاریخی، به خصوص قرن‌های اخیر، بوده است؛ جنبشی که به دنبال مساوات‌طلبی و جنسیت‌زدایی و کسب هویت برای زنان بوده است. بر مبنای این تفکر، زن موجودی است که همان حقوق طبیعی و سلب‌نشده‌ی مردان را دارد. حقوق زن به جنس او ربطی ندارد. در قوای عقلی زنان نقصی نیست و لذا حق دارند از حقوق انسانی یکسانی برخوردار باشند. این در حالی است که امروزه به زنان به دلیل جنسیتشان ستم می‌شود و به نیازها، خواسته‌ها، منافع و توانایی‌هایشان توجه نمی‌شود و برای نیازهای فردی آن‌ها محدودیت خاصی مقرر می‌کنند. زنان از حقوق مساوی با مردان محروم‌اند و آزادی‌هایی که برای مردان وجود دارد، از گروه زنان دریغ شده است. هدفی که فمینیست‌های لیبرال دنبال می‌کنند اثبات این نکته است که تفاوت‌های قابل مشاهده میان دو جنس ذاتی نیست، بلکه نتیجه جامعه‌پذیری و همگون‌سازی جنس و نقش است. تفاوت رفتار با دختران و پسران کم‌وبیش از بدو تولد آغاز می‌شود و از شکوفایی کامل ظرفیت‌های انسانی جلوگیری می‌کند [۴].

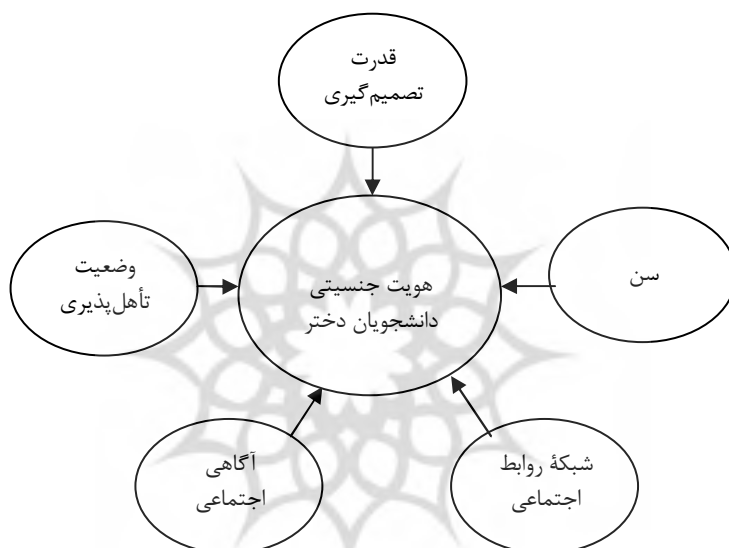
فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین سن و هویت جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد؛
۲. به نظر می‌رسد بین وضعیت تأهل دانشجو و هویت جنسیتی او رابطه معناداری وجود دارد؛
۳. به نظر می‌رسد بین شبکه روابط اجتماعی و هویت جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد؛
۴. به نظر می‌رسد بین آگاهی اجتماعی به حقوق و وظایف و هویت جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد؛
۵. به نظر می‌رسد بین قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و هویت جنسیتی آنان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱. پشتوانهٔ نظری متغیرها

متغیر	دیدگاه نظری
سن	آلبرت باندورا
وضعیت تأهل	تاجفل
شبکهٔ روابط اجتماعی	ریچارد جنکینز
آگاهی اجتماعی	فمنیسیم لیبرال
قدرت تصمیم‌گیری	آلبرت باندورا

الگوی نظری پژوهش



شکل ۱. مدل نظری رابطهٔ بین جامعه‌پذیری و هویت جنسیتی (دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور دزفول)

روش پژوهش

پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و به روش پیمایشی انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش پیمایشی استفاده از پرسش‌نامه و در بخش اسنادی، فیش‌برداری منابع و استفاده از اینترنت است. جامعهٔ آماری این بررسی، دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور دزفول و واحد آماری در این پژوهش یک دانشجوی دختر دانشگاه پیام نور دزفول است. در این تحقیق، با استفاده از جدول حجم برآورد نمونه، لین [۲۳]، برای جامعهٔ آماری، با سطح خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه شد.

شیوه نمونه‌گیری برای دسترسی به نمونه‌های مطالعه‌شده، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای است. در پژوهش حاضر از اعتبار صوری^۱ و برای به‌دست‌آوردن پایایی آن، از آلفای کرونباخ^۲ استفاده شده است. آلفای کرونباخ هر یک از متغیرها در جدول ۲ آمده است. برای اعتبار صوری نیز، پس از طراحی گویه‌های طیف‌های مربوطه (طبق پژوهش‌های انجام‌شده و دیدگاه‌های نظری) در اختیار استادان و کارشناسان دانشگاهی قرار گرفت. اظهارنظر آنان در راستای سنجش گویه‌های هر طیف، در نهایت به‌گزینش گویه‌های مناسب برای هر طیف منجر شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به‌وسیله نرم‌افزار SPSS انجام شد.

جدول ۲. ضرایب آلفای کرونباخ

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ
هویت جنسیتی (متغیر وابسته)	٪۷۶
شبکه روابط اجتماعی (متغیر مستقل)	٪۸۰
آگاهی اجتماعی (متغیر مستقل)	٪۷۲
قدرت تصمیم‌گیری (متغیر مستقل)	٪۷۱

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی مهم به این شرح‌اند: میانگین سن پاسخ‌گویان ۲۰/۶ سال، میانگین تحصیلات پدر بیشتر پاسخ‌گویان ۸/۹ کلاس، میانگین تحصیلات مادر بیشتر پاسخ‌گویان ۷/۲ کلاس و میانگین درآمد ماهیانه خانواده پاسخ‌گویان ۵۱۴ هزار تومان است. همچنین، ۸۶/۹ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۱۳/۱ درصد متأهل، ۴۴/۲ درصد بومی و ۵۵/۸ درصد غیربومی، ۷/۳ درصد شاغل و ۹۲/۷ درصد غیرشاغل‌اند و ۸۹/۸ درصد دارای مسکن شخصی، ۶/۲ درصد دارای مسکن اجاره‌ای و ۴ درصد دارای مسکن سازمانی هستند.

بررسی فرضیه‌ها

در این بخش، ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته از طریق آماره‌های متناسب با آن‌ها سنجیده می‌شود.

۱. فرضیه اول: بین سن و هویت جنسیتی رابطه معنادار وجود دارد.

از آنجا که هر دو متغیر فاصله‌ای هستند، برای بررسی رابطه بین آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. همان‌طور که داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، با در نظر گرفتن ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۸-) و سطح معناداری (Sig. ۰/۶۳۸)، رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد و فرضیه رد می‌شود.

1. face validity
2. Cronbach's Alpha

۲. فرضیه دوم: بین وضعیت تأهل و هویت جنسیتی رابطه معنادار وجود دارد. از آنجایی که متغیر مستقل یک متغیر اسمی دو طبقه و متغیر وابسته فاصله‌ای می‌باشد، برای بررسی تفاوت بین آن‌ها، از آزمون تفاوت میانگین T استفاده می‌کنیم. جدول ۴ نشان می‌دهد که با توجه به مقدار T به دست آمده (۰/۴۶۱) و سطح معناداری (sig=۰/۶۴۷)، بین دانشجویان متأهل و مجرد از لحاظ متغیر هویت جنسیتی تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه ما رد می‌شود.

۳. فرضیه سوم: بین شبکه روابط اجتماعی و هویت جنسیتی رابطه معنادار وجود دارد. جدول ۵ رابطه بین شبکه روابط اجتماعی و هویت جنسیتی را نشان می‌دهد. از آنجایی که هر دو متغیر فاصله‌ای می‌باشند، برای بررسی رابطه بین آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با در نظر گرفتن ضریب پیرسون (۰/۳۰۶) و سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰)، رابطه معناداری بین شبکه روابط اجتماعی و هویت جنسیتی در سطح ۹۹٪ اطمینان وجود دارد و فرضیه ما تأیید می‌شود.

۴. فرضیه چهارم: بین آگاهی اجتماعی و هویت جنسیتی رابطه معنادار وجود دارد. جدول ۶ رابطه بین آگاهی اجتماعی زنان و هویت جنسیتی را نشان می‌دهد. از آنجا که هر دو متغیر فاصله‌ای هستند، برای بررسی رابطه بین آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با در نظر گرفتن ضریب پیرسون (۰/۳۷۰) و سطح معناداری (Sig=۰/۰۰۰)، رابطه معناداری بین آگاهی اجتماعی زنان و هویت جنسیتی در سطح ۹۹٪ اطمینان وجود دارد و فرضیه ما تأیید می‌شود. هرچه آگاهی اجتماعی زنان یک جامعه بیشتر باشد، به تبع آن، آنان خواهان حضوری فعال و پررنگ در اجتماع هستند؛ در نتیجه از هویت مدرن‌تری برخوردار خواهند شد.

جدول ۳. همبستگی بین سن و هویت جنسیتی

متغیر	تعداد	ضریب پیرسون (r)	سطح معناداری
سن	۳۸۴	-۰/۰۲۸	۰/۶۳۸

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین هویت جنسیتی افراد با توجه به وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	تعداد	انحراف معیار	خطای میانگین	آزمون آماری
مجرد	۲۹۴	۱/۹۳	۰/۵۱	T=۰/۴۶۱
متأهل	۹۰	۱/۹۷	۰/۴۰	Sig=۰/۶۴۷

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی بین شبکه روابط اجتماعی و هویت جنسیتی

آزمون آماری	شبکه روابط اجتماعی / هویت جنسیتی
ضریب همبستگی پیرسون (R)	۰/۳۰۶
سطح معناداری	۰/۰۰۰
تعداد پاسخ‌گویان	۳۸۴

جدول ۶. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین آگاهی اجتماعی و هویت جنسیتی

آزمون آماری	آگاهی اجتماعی / هویت جنسیتی
ضریب همبستگی پیرسون (R)	۰٫۳۷۰
سطح معناداری	۰٫۰۰۰
تعداد پاسخ‌گویان	۳۸۴

جدول ۷. نتایج آزمون همبستگی بین قدرت تصمیم‌گیری و هویت جنسیتی

آزمون آماری	قدرت تصمیم‌گیری / هویت جنسیتی
ضریب همبستگی پیرسون (R)	۰٫۱۳۲
سطح معناداری	۰٫۰۳۰
تعداد پاسخ‌گویان	۳۸۴

۵. فرضیه پنجم: بین قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و هویت جنسیتی رابطه معنادار وجود دارد. جدول ۷ رابطه بین قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و هویت جنسیتی را نشان می‌دهد. از آنجا که هر دو متغیر فاصله‌ای هستند، برای بررسی رابطه بین آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با در نظر گرفتن ضریب پیرسون (۰٫۱۳۲) و سطح معناداری (Sig. ۰٫۰۳۰)، رابطه معنادار و معکوسی بین قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و هویت جنسیتی در سطح ۹۵ درصد اطمینان وجود دارد و فرضیه ما تأیید می‌شود؛ یعنی دخترانی که در خانواده‌هایی که اقتدار پدرسالارانه حاکم است بزرگ شده‌اند، هویت جنسیتی‌شان به شکل سنتی شکل گرفته است و بالعکس در خانواده‌های که به صورت دموکراتیک اداره می‌شدند، هویت جنسیتی مدرن بین دختران شکل گرفته است.

تحلیل‌های آماری چندمتغیره

در این بخش تحلیل، روابط چندگانه بین متغیرها بررسی می‌شود. هدف این قسمت، یافتن میزان و سهم اثر متغیرهای مستقل در توجیه میزان هویت جنسیتی است. به سخن دیگر، از طریق انجام رگرسیون چندمتغیره به روش Enter به تعیین و پیش‌بینی درصد واریانس هویت جنسیتی پرداخته می‌شود که در این تحلیل این کار از طریق وارد کردن متغیرهای مستقل پژوهش در رگرسیون چندمتغیره و برآورد میزان آن انجام می‌گیرد.

جدول ۸. تجزیه واریانس رگرسیون چندمتغیره هویت جنسیتی

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معناداری F
رگرسیون	۲۱	۲۲۱٫۹۱۲	۲۷٫۷۳۹	-۲٫۵۱	۰٫۰۰۰
باقی‌مانده	۳۶۳	۷۸۱٫۶۱۸	۲٫۹۲۷	۹٫۳۳۴	۰٫۰۰۰
کل	۳۸۴	۱۰۰۳٫۵۲۹	۳۰٫۶۶۶	-۰٫۸۱	۰٫۰۰۰

معادله رگرسیونی پیش‌بینی هویت جنسیتی

برای ساختن معادله رگرسیونی پیش‌بینی هویت جنسیتی، متغیرهایی که در سطح فاصله‌ای بودند و با متغیر وابسته رابطه داشتند به‌عنوان متغیر مستقل و هویت جنسیتی به‌عنوان متغیر وابسته وارد شدند. بررسی نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۹ بیانگر آن است که معادله پیش‌بینی هویت جنسیتی می‌تواند ۰/۲۲۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کند، که این مطلب را R^2 به ما نشان می‌دهد.

مقدار R یا همبستگی بین مقادیر واقعی و مقادیری که به‌وسیله معادله پیش‌بینی می‌شوند، وجود دارد. به عبارت دیگر، ۰/۴۷۰ درصد مقادیری که پیش‌بینی می‌شود با مقادیر واقعی یکسان هستند. با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده، مقادیر در سطح بالاتر از ۹۹ درصد از لحاظ آماری معنادارند. از آنجا که مدل ما توانسته با استفاده از سه متغیر شبکه روابط اجتماعی، آگاهی اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری، فقط ۲۲/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کند، می‌توان گفت قدرت پیش‌بینی پایینی دارد.

جدول ۹. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره متغیرهای اساسی مؤثر بر هویت جنسیتی

مرحل	متغیرهای پیش‌بینی کننده	B	Beta	T	Sig.T
اول	شبکه روابط اجتماعی	۰/۱۰۸	۰/۱۶۰	۲/۲۱۳	۰/۰۲۸
دوم	شبکه روابط اجتماعی آگاهی اجتماعی	۰/۱۱۵	۰/۲۰۰	۲/۷۰۷	۰/۰۰۷
سوم	شبکه روابط اجتماعی آگاهی اجتماعی قدرت تصمیم‌گیری	۰/۱۳۸	۰/۲۴۵	۲/۸۵۶	۰/۰۰۵

نتیجه‌گیری

رشد هویت فرایندی پیچیده و چندبعدی است؛ فرایندی که خود مجموعه‌ای از فرایندهای به هم مرتبط است. همه این فرایندها شامل تغییر در نوع نگاه ما به خویشتن در ارتباط با جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم.

هویت در برخی از عرصه‌ها به‌طور ناخودآگاه و در بستر جامعه شکل می‌گیرد، اما در اغلب موارد، هویت فرد در قالب برنامه‌ها و مکانیسم‌های ارتباطی همچون جامعه‌پذیری، علم‌آموزی، رسانه‌ای و... شکل می‌گیرد. در این مقاله، با در نظر گرفتن سازه جامعه‌پذیری به‌منزله عاملی که امروزه از آن به‌عنوان سازه بازتولید هویتی نام برده می‌شود، رابطه این سازه (جامعه‌پذیری) با مؤلفه‌های هویت جنسیتی بررسی شد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که هیچ‌یک از متغیرهای زمینه‌ای (سن، وضعیت

تأهل) پژوهش با متغیر وابسته رابطه نداشتند. همچنین، نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده همبستگی میان متغیر شبکه روابط اجتماعی و متغیر هویت جنسیتی است. بدین ترتیب که هرچه شبکه روابط اجتماعی دختران گسترده‌تر باشد، از هویت جنسیتی مدرن‌تری برخوردار خواهند بود. لهسایی‌زاده و شیرازی [۱۵] در پژوهش خود به نتیجه مشابهی دست یافتند. در پژوهش آن‌ها، تفاوت معناداری بین متغیرهای گستره شبکه ارتباطی با هویت اجتماعی زنان نسل کنونی به‌دست آمده بود.

یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد قدرت تصمیم‌گیری در خانواده در شکل‌گیری هویت جنسیتی زنان مؤثر است. بدین ترتیب که هرچه الگوی اقتدار در خانواده سنتی‌تر باشد، هویت زنان نیز سنتی‌تر بوده است؛ و هرچه اقتدار در خانواده از شکل سنتی فاصله گرفته باشد، هویت زنان نیز به سمت هویت مدرن تمایل پیدا کرده است. در این وضعیت، زنان انقیاد، تسلیم و پذیرش بی‌چون‌وچرا را، که از ویژگی‌های مهم هویت سنتی است، نمی‌پذیرند. نیازی [۱۸] نیز در تحقیق خود به بررسی هویت اجتماعی زنان پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که هویت زنان از شکل سنتی به سمت مدرن‌گرایی نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که ارتباط معناداری میان متغیر آگاهی اجتماعی و هویت جنسیتی وجود دارد؛ یعنی دخترانی که آگاهی اجتماعی بالایی دارند، معمولاً تصور روشنی از نقش‌های اجتماعی غیرسنتی در جامعه دارند و توان آمادگی برای پذیرش نقش‌های اجتماعی غیرسنتی را در خود می‌بینند. این حاکی از آن است که آنان از هویت مدرن‌تری برخوردارند. زلفعلی فام و غفاری [۹] نتایج مشابهی به‌دست آورده‌اند. پژوهش آن‌ها حاکی از افزایش آگاهی اجتماعی دختران در زمینه‌های خانوادگی، اجتماعی، حقوقی است، ولی این بدین معنا نیست که دختران به‌طور کامل مطابق با این آگاهی و طرز تفکر زندگی کنند.

درنهایت، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ارتباط معناداری بین جامعه‌پذیری و هویت جنسیتی به‌عنوان متغیرهای اصلی پژوهش وجود دارد. جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن عناصر اجتماعی و فرهنگی درونی می‌شوند و در نتیجه هویت افراد تعیین می‌شود. با وجود همه دگرگونی‌های گسترده نهادی و فرهنگی در عصر جدید، در کشور ما خانواده هنوز قدرت بالایی در اجتماعی کردن کودکان دارد، زیرا خانواده با محدود کردن نقش‌های جنسیتی دختران نه تنها باعث پذیرش جنس دوم‌بودن دختران می‌شود، بلکه با محدود کردن خلاقیت‌ها، عرصه‌ها و ابعاد زندگی، عملاً شکل‌گیری شخصیت دختران را مطابق با الگوهای مورد نظر طراحی می‌کند و تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری هویت جنسیتی می‌گذارد.

منابع

- [۱] آلمال، فرنگیس (۱۳۷۵). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه.
- [۲] ایمان، محمدتقی؛ کیدقان، طاهره (۱۳۸۲). «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، س ۱۲ و ۱۳، ش ۴۴ و ۴۵.
- [۳] بدانتر، الیزابت (۱۳۷۷). «عصر تشابه جنس‌ها»، مجله زنان، ش ۴۸.
- [۴] پاملا، آبوت؛ والاس، کلر (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران: نی.
- [۵] حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، تهران: مؤسسه انتشاراتی کمیل.
- [۶] جنکینز، ریچارد (۱۳۹۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- [۷] رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳). «بررسی عوامل مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان تهران»، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- [۸] ریترز، جورج (۱۳۹۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- [۹] زلفعلی‌فام، جعفر؛ غفاری، مظفر (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی دختران دانشجوی دانشگاه گیلان»، مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ش ۳، ص ۱۴۰-۱۲۱.
- [۱۰] سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۱۱] سیفاللهی، سیفالله؛ رازقیان، آناهیتا (۱۳۸۸). «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان در ایران (مطالعه موردی: تهران)». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، س ۲، ش ۳.
- [۱۲] قائمی‌فر، حسین؛ حمایت‌خواه جهرمی، مجتبی (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه پیام نور جهرم»، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ش ۳.
- [۱۳] کاستلن، مانوئل (۱۳۸۹). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه حسن چاوشیان و همکاران، تهران: طرح نو.
- [۱۴] گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۹). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نی.
- [۱۵] لهسایه‌زاده، عبدالعلی؛ شیرازی، مریم (۱۳۸۹). «عوامل مرتبط در شکل‌گیری هویت اجتماعی زنان نسل کنونی و گذشته شهر شیراز»، مجله جامعه‌شناسی، ش اول، ص ۱۳۹-۱۵۹.
- [۱۶] مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). «قومیت‌ها و هویت فرهنگی ایران»، نامه پژوهش فرهنگی، ش ۲۲ و ۲۳، ص ۲۰۹-۲۳۲.
- [۱۷] منادی، مرتضی؛ فرشی صبح‌خیز، فاطمه (۱۳۸۹). «بررسی نقش هویت مادران در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران نوجوان شهر تهران»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ش ۴، ص ۷-۳۱.
- [۱۸] نیازی، امین (۱۳۸۶). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی مدرن- سنتی، در دختران دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران.

- [19] Doyle, J.A. and paludy. (1998). Sex and gender. The human experience. Boston: MC Grow Hill.
- [20] Gurin .P and A.Townsand (1986), Properties of identity and their implications for gender consciousness, British Journal of Psychology, 25, PP 139-48.
- [21] Heilman, Elizabeth (1998) " the struggle for self power and identity in Adolescent Girls" Youth 8 society , Vol 3 . n . 2
- [22] Irving, C. J. & English, L. M. (2010). Community in Cyberspace: Gender, Social Movement Learning, and the internet. Adult Education Quarterly. Vol: 2, No: 1. PP 1-17.
- [23] Lin N. (1976) Foundation of social research. 1st Ed. New York: McGraw- Hill Book Company. 446-58.
- [24] Siara, B. (2007). Cyber Space and Identity issues at The British. Sociological Association Annual Conference University of East London
- [25] Tajfel, Henry. (1987).Differentiation between social Groups. London: Academic press.

